

معنا و مفهوم «پر کرگس» در بیتی از شاهنامه

حسن حیدری *

دانشیار دانشگاه اراک، اراک

علی صباغی **

استادیار دانشگاه اراک، اراک

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۰۷/۱۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۰۹/۱۷)

چکیده

این جستار به شرح و تفسیر مصرعی از داستان رستم و سهراب شاهنامه فردوسی «شما را زمین، پر کرگس مرا» می‌پردازد. اختلاف نظر شارحان و گزارندگان شاهنامه درباره معنی و مفهوم این مصراع نگارندگان را به جستجو در چرایی این اختلاف‌ها، شواهد معانی ارائه‌شده و مفهوم نهایی بیت واداشت. فرضیه پژوهش حاضر این است که کاربرد کم‌تعبیر «پر کرگس مرا» در متون ادبی فارسی، ابهام در معنای بیت را دامن زده، شارحان و مترجمان را به گزارش کلی بیت واداشته است. نگارندگان با بهره‌گیری از روش قیاسی و بررسی در زمانی، شواهدی از کاربرد تعبیر «پر کرگس» به دست آورده‌اند و معنای جدیدی را پیشنهاد می‌کنند. حاصل پژوهش بیانگر آن است که در این مصراع، تعبیر «پر کرگس» از سوی القاگر مفهوم خردی، تقلیل و ناچیزی است در برابر زمین و هر آنچه در آن است و از سوی دیگر، تعبیر «به عاریت گرفتن پر کرگس» برای بیان شتابزدگی و عجله و سرعت به کار رفته است.

واژگان کلیدی: فردوسی، شاهنامه، داستان رستم و سهراب، پر کرگس.

* E-mail: h-haidary@araku.ac.ir (نویسنده مسئول)

** E-mail: a- sabaghi@araku.ac.ir

مقدمه

در شرح و تفسیر متون ادبی گذشته پس از اجماع محققان در اصالت متن، باید کوشید معنی و مفهوم متن را از خود متن به کمک شواهد درون‌متنی و برون‌متنی دریافت. فاصله زمانی، کاربرد اندک، اختلاف نسخ و... از جمله موضوع‌هایی است که ابهام در درک معنی بخش‌هایی از متون گذشته را دامن می‌زند. شاهنامه برجسته‌ترین اثر حماسی زبان و ادبیات فارسی و یکی از شاهکارهای ادبی ایران و جهان است و مطالعه و نقد و بررسی آن پیوسته مدّ نظر علاقه‌مندان و پژوهشگران ادبی بوده است. پژوهش‌هایی که پیرامون شاهنامه در سده حاضر صورت گرفته، بسیار وسیع و پر دامنه است و از تصحیح متن، شرح، گزیده و بررسی‌های تطبیقی تا خوانش آن بر اساس نظریه‌های ادبی جدید را در بر می‌گیرد. یکی از دشواری‌های متون ادبی گذشته و از جمله شاهنامه، خوانش درست و درک معنی و مفهوم مورد نظر شاعر است و گواه این مدّعا شرح‌ها و گزارش‌های متعدّد و متفاوت این متون است. از آنجا که بخش‌هایی از شاهنامه به عنوان متن درسی نیز محلّ مراجعه و مطالعه است، در این جستار کوشش می‌شود تا یکی از ابیات مبهم داستان رستم و سهراب بررسی و تحلیل شود و پس از نقد شرح‌ها و گزارش‌های موجود، با ارائه شواهد، معنی و مفهوم بیت روشن گردد، اما در آغاز، گزارش ضبط بیت در متن شاهنامه ذکر می‌شود، سپس به روش قیاسی به بررسی و نقد توضیح و تفسیر شارحان داستان رستم و سهراب خواهیم پرداخت و در پایان معنی و مفهوم پیشنهادی ارائه خواهد شد.

۱- ضبط بیت

در ضبط هر دو مصراع بیت، از میان پانزده نسخه خطّی اساس تصحیح جلال خالقی مطلق، تنها در دو نسخه اختلاف وجود دارد. اختلاف در ضبط مصراع نخست، در شرح و تفسیر بیت تأثیرگذار نیست، اما نسخه بدل مصراع دوم، معنی و مفهوم بیت را کاملاً دگرگون می‌سازد. ضبط خالقی مطلق چنین است:

«به ایران نبینید ازین پس مرا شما را زمین، پرّ کرگس مرا»

(فردوسی، ۱۳۸۹، ج ۲: ۱۴۷).

اساس بحث و تفسیر ما بر مبنای ضبط فوق است که سیزده نسخه خطی آن را تأیید می‌کند. ضبط دو دستنویس دیگر که با ضبط متن تفاوت دارد، بدین صورت است:

مصراع اول در دستنویس دارالکتب قاهره مورخ ۷۹۶ ق. «به ایران ازین پس نبیند مرا» و در دستنویس کتابخانه پاپ در واتیکان مورخ ۸۴۸ ق. «به ایران نبیند دگر کس مرا». مصرع دوم نیز در دستنویس کتابخانه ملی فلورانس مورخ ۶۱۴ ق. «شما راست خسرو ازو بس مرا» و در دستنویس کتابخانه دانشگاه لیدن مورخ ۸۴۰ ق. «شما راست خسرو وزو بس مرا» (ر.ک؛ همان: ج ۲: ۱۴۷)!

آنچه از بررسی دستنویس‌های شاهنامه برمی‌آید، این است که بیشتر نسخه‌ها مصراع «شما را زمین، پر کرگس مرا» را در متن دارند، اما به نظر می‌رسد که ابهام معنایی لخت دوم این مصرع، سبب شده در متن دست برده شود و به صورت «شما راست خسرو، از او بس مرا» تغییر کند. گفتنی است که تعبیر «پر کرگس» در چند بیت شاهنامه به کار رفته است. از این بیت‌ها، معانی «پر و بال کرگس، پرواز کرگس، رنگ سیاهی و تیره شدن، بلندپروازی، مردارخواری کرگس» و نظایر آن مستفاد می‌شود، اما با بیت مورد بحث از نظر معنی ارتباط ندارد:

«ز تَفَش همی پر کرگس بسوخت زمین زیر زهرش همی برفروخت»

(همان، ج ۱: ۲۳۲).

«میان را ببندم به کین پدر یکی رزم سازم به درد جگر»

که با شیر جنگ‌آشنایی دهد ز بر پر کرگس گواهی دهد»

(همان، ج ۳: ۴۰).

«تو گفتی هوا پر کرگس شدست زمین از پی پیل پامس شدست»

(همان، ج ۳: ۸۳).

۲- گزارش بیت

دربارۀ گزارش و تفسیر لخت دوم از مصراع دوم بیت میان پژوهشگران اختلاف نظر است و هر یک از شاهنامه‌پژوهان به ساقیۀ درک و دریافت خود از فحوای کلام، استنباط و برداشت خود را ارائه کرده‌اند. در این جستار ابتدا آراء شاهنامه‌پژوهان و شارحان متن را نقل می‌کنیم و آنگاه با نقد و تحلیل آنها، مفهوم مورد نظر نویسندگان مقاله را بازمی‌گوییم.

«به ایرانیان گفت: سهراب گُرد
شما هرکسی چاره جان کنید
به ایران نبینید ازین پس مرا
بیاید، نماند بزرگ و نه خُرد
خِرَد را بدین کار پیچان کنید
شما را زمین، پَر کرگس مرا»
(همان، ج ۲: ۱۴۷).

در کهن ترین ترجمه شاهنامه، در گزارش بیت‌های بالا چنین آمده است: «وَ أَقْبَلَ عَلٰی
الْإِیرَانِیِّینَ، وَ قَالَ: دَبَّرُوا أُمُورَكُمْ وَ احْفَظُوا أَرْوَاحَكُمْ فَإِنَّ سُهْرَابَ قَدْ جَاءَ وَ إِنَّهُ لَا یَخْلٰی
مِنْكُمْ صَغِیراً وَ لَا کَبِیراً. وَ هَا أَنَا رَائِحٌ وَ لَا یرِی وَ جِهی أَحَدٌ بَعْدَ هَذَا فِی أَرْضِ إِیرَانَ:
[ارستم] به ایرانیان روی کرد و گفت: در کارتان بیندیشید و جانتان را در امان دارید، چراکه
سهراب آمده است و همانا او کوچک و بزرگی از شما را زنده نمی‌گذارد و اینک من می‌روم و
پس از این کسی روی مرا در ایران زمین نخواهد دید» (البنداری، ۱۳۵۰ق، ج ۱: ۱۳۷).

شعار و انوری در شرح بیت نوشته‌اند: «پر کرکس رمز سرعت و شتاب است و در قدیم پر
کرکس یا عقاب را به دنباله تیر می‌بستند تا اوج بگیرد و تند برود... ظاهراً مقصود رستم به
کنایه این است که من خود را از شما کنار خواهم کشید، گویی به آسمان پرواز خواهم کرد. در
این مصراع ابهامی هست» (شعار و انوری، ۱۳۷۰: ۱۰۷). خدیو جم در توضیح مفهوم بیت
نوشته است: «زمین به معنی میهن است، اما پر کرگس به معنی لاشخور نیست، بلکه به معنی
تیر است. یعنی از ایران بیرون می‌روم آنجا که تیر افتاد، آنجا که عرب نی انداخت؛ یعنی
ناکجا آباد و جایی که رویم را نبیند» (خدیو جم، ۱۳۵۳: ۱۰۲۲). رستگار فسایی در گزارش این
بیت آورده است: «ما و شما از هم دور خواهیم شد، گویی که شما در زمین هستید و من در
آسمان، زمین پایین برای شما و آسمان بلند برای من. زمین برای شما و پرواز عقابان (آسمان)
از آن من. زمین نماد پستی و پر کرکس نماد بلندی است یا زمین مظهر رکود است و پر
کرکس مظهر حرکت و جنبش» (رستگار فسایی، ۱۳۸۶: ۱۴۹). طاهری مبارکه نیز در تفسیر
بیت نوشته است: «زمین نماد پستی و کرگس (پرواز در آسمان) نماد اوج و بلندی است، چون
کرگس دور از انسان‌ها و در شکاف کوهها و قلّه‌ها زندگی می‌کند. می‌گوید جایی می‌روم که
دیگر مرا پیدا نکنید... اما نکته مهم اینجاست که کرکس بالای سر مرده‌ها پیدایش می‌شود و
رستم در اینجا به کنایه می‌خواهد بگوید: من وقتی می‌آیم که سهراب همه شما را نابود کرده
است» (طاهری مبارکه، ۱۳۷۹: ۱۴۵).

فضیلت با اشاره به بستن پر کرکس به بُن تیر مفهوم بیت را چنین نوشته است: «گویا منظور رستم این است که از شما دوری می‌گزینم و هرگز کاری به کارتان نخواهم داشت. شما همین جا (بر زمین) بمانید و من از ایران بیرون می‌روم (و دور می‌شوم)؛ مثل تیری که از کماندار فاصله می‌گیرد و بر نمی‌گردد تا ببینم سهراب چه به روز شما خواهد آورد» (فضیلت، ۱۳۸۱: ۱۲۱). کزآزی معتقد است که مصراع دوم این بیت تحریف نسخه‌نویسان و کاتبان بوده که به سبب ناآشنایی با مفهوم تعبیر «بس بودن به معنای بیزار بودن»، متن را بدین صورت «کما بیش یاه و بی معنی» تغییر داده‌اند (ر.ک؛ فردوسی، ۱۳۸۴، ج ۲: ۶۰۲) و اصل متن بیت چنین باید باشد:

«به ایران، نبینید ازین پس مرا؛ شما راست خسرو؛ از او، بس مرا»
(همان: ۱۲۸).

مجتبایی در گزارش این بیت می‌نویسد: «به گمان من این مصراع متضمّن مقابله‌ای است میان زمین و پر کرگس، و در این مقابله مقصود از زمین شاید پستی آن و پستی نعمت‌ها و لذت‌های آن و حقارت کسانی که بدان دل بسته‌اند، باشد و پر کرگس نیز از اوج پرواز این پرنده و تلویحاً از عزّت و رفعتی ملازم وارستگی و آزادگی است، حکایت می‌کند» (مجتبایی، ۱۳۵۳: ۸۴۵). او در ادامه بیت را چنین تفسیر می‌کند: «اگر سهراب به ایران بتازد، کسی از خُرد و بزرگ بر جای نخواهد ماند و شما (که مردم جانبازی در میدان جنگ نیستید)، به فکر جان خود باشید و برای نجات خویش خُرد را در این کار پیچان کنید و زمین از آن شما (شاید از آن روی که زمین مدفن کسانی است که در بستر می‌میرند) و پر کرگس از آن من؛ زیرا جنگاورانی که در میدان جنگ جان می‌سپارند، طعمه کرگس می‌شوند» (همان: ۸۴۶).

مینوی در شرح بیت نوشته است: «کنایه از اینکه من خود را از شما کنار خواهم کشید، گویی به آسمان پرواز خواهم کرد» (مینوی، ۱۳۶۹: ۱۰۱).

امیدسالار در مقاله مفصل خود ضمن بررسی و نقد دیدگاه‌های شارحان، بر این باور است که «پر کرگس» در این مصراع ارتباطی با «کرگس پرنده» ندارد، بلکه اشاره به یکی از صور فلکی است که از دو ستاره درخشان و چند ستاره کوچک تشکیل یافته است و دو عضو دارد: یکی را نَسر واقع و دیگری را نَسر طایر می‌گویند (ر.ک؛ امیدسالار، ۱۳۷۵: ۴۸۷). سرانجام به نظر وی مفهوم بیت چنین خواهد بود: «رستم پس از سرزنش کاووس، خود را در مقابله با دیگر

پهلوانان قرار می‌دهد و می‌گوید مقام من بر فراز سپهر و بر بال کرگس است (یعنی نسر طائر) و جایگاه شما که به ذلت و خواری تن درمی‌دهید، زمین است» (همان: ۴۸۹).

خالقی مطلق، ضمن ارجاع به مقاله امیدسالار در *ایران‌نامه*، معتقد است که مفهوم بیت چنین است: «ایران را به شماها وامیگذارم و به جایی می‌روم که دیگر کسی نشانی از من نیابد» (خالقی مطلق، ۱۳۸۹: ج ۹: ۵۱۷).

در ترجمه انگلیسی وارنر، بیت مورد بحث ترجمه‌ی واژه به واژه شده است:

He told the Iranians: Valorous Suhrab Will come and leave not either great or small; So make shift, all of you to save your lives, And let discretion be your remedy. Ye will not see me more within Iran *the land is yours and mine the vulture's wing*. He smote his steed and left they while his skin Split, thou had said, with rage. The nobles hearts were troubled; they were sheep, he was their shepherd. (Warner, 2: p.441)

به طور کلی، درباره‌ی شرح بیت، چهار نگاه وجود دارد که هر یک از آنها روشنگر بخشی از مفهوم بیت می‌تواند باشد، اما شواهدی از *شاهنامه* یا آثار ادبی دیگر در تأیید معنا و مفهوم پیشنهادی خود ندارند. این چهار دیدگاه عبارتند از:

الف) بیشتر پژوهشگران با خوانش «شما را زمین، پر کرگس مرا»، با مرکزیت دادن به پرنده کرگس و پر کرگس و آنچه درباره‌ی این پرنده در منابع پیشین آمده^۲ به مفهوم تقریبی دور شدن رستم مثل تیر پرتابی و رفتنش به دوردست و ناکجاآباد و ... رسیده‌اند.

ب) مردارخواری، بلندپروازی و پرواز کرگس بر سر کشتگان، مفهوم بر فراز رفتن رستم و دور شدنش از زمین پست و نیز حمله سهراب و فروانی اجساد ایرانیان را تداعی کرده است.

ب) «پر کرگس» را به صورت فلکی «نسر طائر» برگردانده‌اند که در نهایت به آسمان و مکانی دور از دسترس رفتن رستم رسیده‌اند.

ج) با ترجیح نسخه بدل «شما راست خسرو، از او بس مرا» مفهوم قهر رستم و اظهار بی‌زاری وی از کیکاوس را پیشنهاد داده‌اند.

۲- نقد گزارش و شرح شاهنامه پژوهان

برداشت شارحان با تکیه بر معنی واژگانی و اصطلاحی پر و کرگس بوده است و در گزارش این بیت بدون توجه به متن و سیاق کلام و قواعد دستور زبان به شرح و تفسیر پرداخته‌اند. بنداری مفهوم بیت را در ترجمه آورده است و تنها به گزارش مصراع نخست بسنده کرده، به مصراع دوم - شما را زمین، پر کرگس مرا - نپرداخته است. شعار و انوری در تأیید اینکه پر کرگس رمز شتاب و سرعت است، به سبب بسته شدنش به سوفار تیر، به شعر مشهور ناصر خسرو (۳۹۴-۴۸۱ ق.) که درباره عقاب است، استناد کرده‌اند (ر.ک؛ قبادیانی، ۱۳۷۸: ۵۲۴-۵۲۳). بهترین شاهد مثال برای این معنی دو بیت از فیروز مشرقی (م. ۲۸۳ ق.) است:

«مرغی است خدنگ او عجب دیدی مرغی که شکار او همه جاننا
داده پر خویش کرکسش هدیه تا بچه‌اش را بُرد به مهماناً»^۳
(مشرقی، ۱۳۷۰: ۸).

خدبو جم «زمین» را به معنی میهن گرفته است و پر کرگس را به معنای تیر، و در توضیح مفهوم بیت از چهارچوب واژگان بیت خارج شده، «پر کرگس مرا» را به معنی آنجا که عرب نی انداخت و ناکجاآباد و ... گرفته است. کزازی با پذیرفتن نسخه بدل، مصراع دوم «شما راست خسرو، از او بس مرا» معنای بیزار بودن رستم از کیکاوس را با شاهد مثالی از تعبیر «بس کردن و بس بودن» ارائه کرده است. مجتبیایی به درستی به تقابل «زمین؛ پر کرگس» اشاره کرده است، اما در معنای بیت زمین را به معنای مدفن انسان‌های معمولی و پر کرگس را میدان جنگ و مدفن انسان‌های جنگاور پنداشته است، در حالی که رستم در داستان از مرگ خود سخن نمی‌گوید و پس از سخن گفتن با ایرانیان، به سرعت از دربار کیکاوس دور می‌شود.

رستگار فسایی و طاهری مبار که زمین را نماد پستی و پر کرگس را نماد آسمان و بلندی گرفته‌اند، اما این مفهوم با منطق حماسه ایرانی که در زمین است و وابسته به زمین سازگار نیست، چرا که به آسمان رفتن سرانجامی چون ماجرای پرواز کیکاوس دارد و ادعای این کار از سوی رستم بسیار دور به نظر می‌رسد.

مینوی به مفهوم کلی بیت نظر داشته است و دور شدن رستم را از ایرانیان همچون پرواز وی به آسمان (مکان دور از دسترس) دانسته است.

امید سالار معنای تازه‌ای پیشنهاد کرده است و از معنای واژگانی پر و کرگس عبور کرده، با توجه به معنی اصطلاحی این واژگان در نجوم، مفهوم جناح نَسر طایر در آسمان (جایی دور در اوج آسمان) را ارائه کرده است.

برای روشن شدن مفهوم این بیت باید چند نکته را در نظر داشت:

- این بیت را در ضمن روایت داستان و با توجه به ابیات قبل و بعد باید دید و تفسیر کرد.

- کشمکش رستم با کیکاوس، قهر رستم، انذار ایرانیان و رفتنش با خشم از دربار شاه.

- کرگس و پروازش و داوری شارحان درباره این پرنده که حضور کرگس را مثبت یا منفی می‌دانند. با توجه به اینکه این پرنده در ایران پیش از اسلام چهره مثبت دارد و یاریگر مراسم تدفین است و در دوره اسلامی، مردارخوار و با چهره منفور (ر.ک؛ عبداللّهی، ۱۳۸۱، ج ۲: ۷۷۰).

- «را» در مصراع دوم به معنی تملیک، برای و از آن (ر.ک؛ بهار، ۱۳۷۰، ج ۱: ۴۰۰).

- تقابل میان ایران که رستم را در آنجا نخواهند دید با جایی که رستم بدانجا خواهد رفت.

- تقابل میان زمین و پر کرگس.

- شواهدی از کاربرد پر کرگس در معنای لغوی، اصطلاحی یا کنایی در شاهنامه یا منابع دیگر برای تأیید معنای ارائه شده.

نگارندگان با در نظر گرفتن نکات یاد شده در بالا و معنای ارائه شده از سوی شاهنامه‌پژوهان بر این باورند که با توجه به چگونگی روایت فردوسی، هماهنگ با فضای داستان، خشم و قهر رستم و شواهد زیر دو معنا از این بیت برمی‌آید:

رستم هنگام قهر و خشم خطاب به ایرانیان می‌گوید از این پس مرا در ایرانشهر (پایتخت حکومت کیکاوس) نخواهید دید:

۱- شما در ایران زمین بمانید و من به سرعت از اینجا دور می‌شوم و ایرانشهر را ترک می‌کنم. رستم پس از این سخنان با شتاب دربار کیکاوس را ترک کرده، به قلمرو خود رو می‌نهد و گودرز برای بازگرداندن وی راهی می‌شود...

۲- زمین با همه داشته‌هایش از آن شما و پر کرگس (= چیز بسیار اندک و محقر در برابر زمین) از آن من.

معنی نخستین را شاهی از کتاب *ثمارالقلوب فی المضاف و المنسوب ذیل مدخل «جناح الطیر»* تأیید می‌کند: «يُقَالُ: كَأَنَّهُ فِي جَنَاحِ طَائِرٍ إِذَا كَانَ قَلْبًا دَهْشًا... وَ يُقَالُ فِي الإِسْرَاعِ: اسْتَعَارَ جَنَاحَ نَسْرٍ وَ تَرَكَ الصَّبَا فِي عِقَالِ أُسْرٍ: هنگام بی‌تابی و دهشت و پریشانی گفته می‌شود، گویی که او بر بال پرند است... و درباره شتاب گفته می‌شود: بال کرگس را به عاریت گرفت و باد صبا را در زانوبند اسیری رها کرد» (الثعالبی، ۲۰۰۳: ۳۶۴).

رستم برای دور شدن سریع و باشتاب از سپاه ایران و ترک ایران زمین، گویی بال و پر کرگس را به عاریت می‌گیرد و می‌رود و پهلوانان و بزرگان ایران برای بازگرداندن وی، گودرز را در پی او روانه می‌کنند.

مدخل «پر / بال کرگس» در فرهنگی که در روزگار فردوسی از سوی ثعالبی نیشابوری (۴۲۹-۳۵۰ ق.) نوشته شده وجود دارد. کاربرد این تعبیر با توجه به عربیت استوار فردوسی و آگاهی او از اشعار و امثال عربی دور از ذهن نیست.^۴

معنی دوم را شاهی از *همايون‌نامه* - تاریخ منظوم حکیم زجاجی - و شواهدی از زبان و ادبیات عربی روشن‌تر می‌سازد:

<p>همه سود آن سروران شد زیان بگردید بر شاه مسعود حال تهی ماند از وی سرا و سریر وُرا از بزرگی نصیبی نبود همان روز شد زنده از مردنش برون کرد آن نامبرده ز شهر از ایشان یکی پر کرکس نماند سَر بخت سلجوقیان شد نژند» (زجاجی، ۱۳۸۳: ج ۲: ۹۱۰ - ۹۰۹).</p>	<p>«شکست اندر آمد به سلجوقیان چل و شش چو بر پانصد افزود سال، به همدان فرورفت آن بی‌نظیر خلیفه [مقتفی] برون از خطیبی نبود خلیفه برست از جفا بردنش همه کارداران او را به قهر به بغداد از آن مهتران کس نماند دگر باره شد مقتفی سربلند</p>
---	--

پس از غلبه بر دشمنان و سرکوب مخالفان خلیفه، کسی از دشمنان مقتفی در بغداد باقی نماند، حتی کوچکترین و کمترین مخالفان او نیز نابود شدند.

- «وَفِي حَدِيثٍ مُعَاوِيَةَ: تَهْفُو مِنْهُ الرِّيحُ بِجَانِبِ كَأَنَّهُ جَنَاحِ نَسْرٍ» يَعْنِي بَيْتاً تَهْبُ مِنْ جَانِبِهِ رِيحٌ، وَ هُوَ فِي صِغَرِهِ كَجَنَاحِ نَسْرٍ؛ و در گفتار معاویه است: از سوی آن خانه بادی می‌وزد، گویی که آن خانه بال کرگس است؛ یعنی خانه‌ای که از کنارش باد می‌وزد و آن خانه در خُردی و کوچکی همانند بال کرگس است» (ابن اثیر، ۱۴۸۰ ق، ج ۵: ۲۶۷).

- «وَقَوْلُهُ: يَهْفُو مِنْهُ الرِّيحُ بِجَانِبِ كَأَنَّهُ جَنَاحِ نَسْرٍ. قَالَ الرَّهْنِيُّ: أَرَادَ جَانِبَ الْبَيْتِ، وَ إِنَّهُ فِي الصَّغَرِ عَلَى قَدْرِ جَنَاحِ النَّسْرِ، يُرِيدُ بِذَلِكَ تَصْغِيرَ أَمْرِهِ وَ تَحْقِيرَهُ؛ و گفتار اوست: بادی از سوی دریاچه [ای خانه] می‌وزد، گویی که آن دریاچه بال کرگس است. رهنی گفت: دریاچه خانه را اراده کرده است که در کوچکی به اندازه بال کرگس است و منظور از آن [تعبیر و تشبیه] کوچک شمردن و تحقیر است» (ابن عساکر، ۱۴۱۵ ق، ج ۲۲: ۱۶-۱۵).

- «وَفِي الْحَدِيثِ: إِنَّ مَدِينَةَ قَوْمِ لُوطٍ حَمَلَهَا جَبْرَيْلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى خَوَافِي جَنَاحِهِ، قَالَ: هِيَ الرَّيْشُ الصَّغَارُ الَّتِي فِي جَنَاحِ الطَّائِرِ صِدُّ الْقَوَادِمِ، وَاحِدَتُهَا خَافِيَةٌ. وَ فِي حَدِيثِ أَبِي سُفْيَانَ: وَ مَعِيَ خَنْجَرٌ مِثْلُ خَافِيَةِ النَّسْرِ يُرِيدُ أَنَّهُ صَغِيرٌ: ... در سخن ابوسفیان است که همراه من خنجری است چون پر کرگس و مراد آن است که آن خنجر کوچک است» (ابن منظور، بی تا: ج ۱۴: ۲۳۶).

در شواهد عربی یاد شده، «پر کرگس» نماد خُردی و ناچیزی است و در شاهد مثال همایون‌نامه، از این معنی تقلیل و ناچیزی مفهوم نفی و عدم نیز استنباط می‌شود و در ثمارالقلوب، «به عاریت گرفتن پر کرگس» برای بیان سرعت و عجله و شتابزدگی است. با توجه به معانی فوق می‌توان گفت: رستم در هنگام قهر و غضب، ایران‌زمین (قلمرو وسیع کیکاوس) را به ایرانیان واگذاشته، کمترین چیز (شاید زابلستان در برابر ایران) را برای خود می‌خواهد و از دربار ایران روی برتافته، راهی زابلستان می‌شود یا رستم در پی قهر، زمین را با همه گستردگی و داشته‌هایش به دیگران واگذاشته، پر کرگس (کمترین چیز یا هیچ) را برای خود می‌خواهد یا رستم بال کرگس به عاریت گرفته به شتاب از زمین (قلمرو کیکاوس) دور می‌شود.

نتیجه‌گیری

پس از اجماع پژوهشگران در اصالت متن، که نخستین مرحله نقد و بررسی هر اثری است، خوانش درست و دریافت معنی متن مد نظر قرار می‌گیرد. در بیشتر نسخه‌های خطی، چاپ‌های شاهنامه و شرح و تفسیر داستان رستم و سهراب، بیتی است که همه محققان ضبط آن را چنین آورده‌اند:

«به ایران، نبینید ازین پس مرا؛ شما را زمین، پر کرگس مرا»

در پی ضبط متن به صورت بالا و تأیید اصالت آن، محققان کوشیده‌اند تا ابهام معنایی لخت دوم از مصرع دوم را روشن کنند، ابهام معنایی در ترکیب «پر کرگس مرا» سبب شده تا شاهنامه‌پژوهان تفسیرهای گوناگونی را در شرح و تفسیر این بیت ارائه دهند.

«پر کرگس» و «داشتن یا گرفتن پر کرگس» با توجه به شواهد کاربرد این تعبیر، احتمال درستی دو معنی را بیشتر تقویت می‌کند: نخست معنای خردی و ناچیزی و به تبع آن نفی و عدم، و معنای دیگر مفهوم قیدی به سرعت و شتاب کاری را انجام دادن.

بیت مورد بحث شاهنامه را دو گونه می‌توان شرح کرد: ۱- رستم ایران‌زمین را به کیکاوس و ایرانیان واگذاشته، برای خود کمترین چیز (= هیچ چیز) نمی‌خواهد. ۲- رستم به هنگام قهر و خشم در برابر توهین کیکاوس گویی بال کرگس را وام گرفته، به سرعت تمام از دربار وی روی برمی‌تابد.

پی‌نوشت‌ها

۱- اختلاف ضبط دستنویس کتابخانه دولتی برلین مورخ ۸۹۴ ق. به صورت «زمین با شما پر کرگس مرا» با ضبط نسخ دیگر همسو و مؤید آنهاست.

۲- درباره کرگس و اوصاف آن رجوع کنید به منبع زیر:

الجاحظ، أبوعثمان عمرو بن بحر. (۱۹۶۸ م.). *کتاب الحيوان*. الجزء السابع. به تحقیق و شرح عبدالسلام محمد هارون. الطبعة الثانية. شركة مكتبة و مطبعة مصطفى البابي الحلبي و اولاده.

(صص ۳۵۷-۳۵۶).

- ۳- درباره تصحیح قیاسی دهخدا از این مصرع بنگرید به: دبیر سیاقی، محمد. (۱۳۷۰). *پیشاهنگان شعر پارسی*. چاپ سوم. تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی (ص ۴).
- ۴- به عنوان نمونه درباره اطلاع فردوسی از زبان و ادبیات عربی در سخن و سخنوران آمده است: «... فردوسی از اشعار عرب نه مایه اندک، بلکه سرمایه فراوان داشت و به احتمال قوی در علوم عربیت استادی توانا و زبردست بود و چنانکه خود گوید بسی نامه از گفتار تازی خوانده است» (فروزانفر، ۱۳۶۹: ۴۸). برای آگاهی بیشتر بنگرید به: فروزانفر، بدیع الزمان. (۱۳۶۹). *سخن و سخنوران*. چاپ چهارم. تهران: خوارزمی (صص ۴۸-۴۷).

منابع و مأخذ

- ابن اثیر. (۱۴۸۰ق.). *النهاية في غريب الحديث والأثر*. ج ۵. چاپ چهارم. قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
- ابن عساکر. (۱۴۱۵ق.). *تاریخ مدینه دمشق*. ج ۲۲. بیروت: دار الفکر.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. (بی تا). *لسان العرب*. ج ۱۴. بیروت: دار صادر.
- امیدسالار، محمود. (۱۳۷۵). «شما را زمین، پر کرگس مرا». *ایران نامه*. سال هشتم. شماره ۳. صص ۴۸۰-۴۹۵.
- _____ . (۱۳۸۱). *جستارهای شاهنامه شناسی و مباحث دیگر ادبی*. تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- البنداری، فتح بن علی. (۱۳۵۰ق.). *الشاهنامه*. تصحیح عبدالوهاب عزّام. قاهره: دار الکتب المصریّه.
- بهار، محمدتقی. (۱۳۷۰). *سبک شناسی یا تاریخ تطوّر نثر فارسی*. ج ۱. چاپ ششم. تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- الثعالبی، ابومنصور عبدالملک بن محمد اسماعیل. (۲۰۰۳م.). *ثمار القلوب فی المضاف و المنسوب*. تحقیق و شرح و فهرسته الدكتور قصی الحسین. الطبعة الأولى. بیروت: دار و المكتبة الهلال.

خالقی مطلق، جلال. (۱۳۸۹). *یادداشت‌های شاهنامه*. بخش یکم. چاپ اول. تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.

خدویوجم، حسین. (۱۳۵۳). «درباره سه بیت دیگر از رستم و سهراب». *سخن*. دوره ۲۳. شماره ۹. صص ۱۰۲۳-۱۰۱۸.

رستگار فسایی، منصور. (۱۳۸۶). *حماسه رستم و سهراب*. چاپ هفتم. تهران: جامی.
زجاجی. (۱۳۸۳). *همایون‌نامه؛ تاریخ منظوم زجاجی*. ج ۲. تصحیح علی پیرنیا. چاپ اول. تهران: نشر آثار.

طاهری مبارکه، غلام‌محمد. (۱۳۷۹). *رستم و سهراب*. چاپ اول. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).

کزازی، میرجلال‌الدین. (۱۳۸۴). *نامه باستان*. ج ۲. چاپ دوم. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).

فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۸۹). *شاهنامه*. دفتر اول، دوم و سوم. به کوشش جلال خالقی مطلق. چاپ سوم. تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.

فضیلت، محمود. (۱۳۸۱). *ترنجی در باد؛ شرح و بررسی داستان رستم و سهراب*. چاپ اول. کرمانشاه: انتشارات طاق بستان.

مجتبایی، فتح‌الله. (۱۳۵۳). «نکته‌هایی درباره رستم و سهراب». *سخن*. دوره ۲۳. شماره ۸. صص ۸۳۹-۸۵۶.

مدبری، محمود. (۱۳۷۰). *شاعران بی‌دیوان*. چاپ اول. تهران: نشر پانوس.

مینوی، مجتبی. (۱۳۶۹). *داستان رستم و سهراب از شاهنامه فردوسی*. به کوشش مهدی قریب و مهدی مدابینی. چاپ دوم. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

شعار، جعفر و حسن انوری. (۱۳۷۰). *غننامه رستم و سهراب*. چاپ هفتم. تهران: شرکت چاپ و انتشارات علمی.

قبادیانی، ناصر خسرو. (۱۳۷۸). *دیوان اشعار*. تصحیح مجتبی مینوی و مهدی محقق. چاپ پنجم. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.

Warner, A.G. and Warner, E. *The Shahnama of Firdausi*. London, K.Paul, Trench, Trubner & Co.